

الاقاویل

و تحریک و تهییج دهاقین در این سرزمین پُریاحین، تخم کین و بذر تفرقه و نفاق و عداوت و شقاق می‌پراکند و چون ما مردم آذربایجان در منطقه‌ی شمال‌غربی ایران، همسایه‌ی روسیه‌ی شوروی بی‌امان ایم و در معرض اشتلم ایشان؛ اکنون که اوامر قاهر به اجرای اصلاحات صادر شده است، از عاطفت کریمانه و عنایت شاهانه دور نیست که دستور اجرای این امور را به مأمور باشعور دیگری غیر از ارسنجانی یاوه‌گوی مغرور واگذار فرمایند. عامل ینگه دنیایی مزدور با اطمینان نفس و غرور گفت: چنین کنم و فردا که پگاه به دربار پادشاه رسم، او را گویم که این مأمور ناجور را از این خدمت معذور دارد.

ما رعایای بی‌اقتدار پس از این دیدار پی کار خود رفتیم. به موی و رویت قسم، فردای آن روز من در اخبار رادیوی این دیار شنیدم که ارسنجانی وزیر، به سمت سفیر کبیر شاهنشاه شیرگیر در فلان کشور اکبیر منتصب شده است. در دل به حرف‌شنوی آن پادشاه جم‌جاه آفرین گفتم و رمز ابقا و افنای شاه شاهان و سلطان السلاطین ایران‌زمین را نیک بدانستم.

هست اصلاحات ما از این قماش

گر کشاورزی بود ور صنعتی

مرگ بر امریکا همی گوید امین

کار ما زار است از این لعنتی



□ دوستی از ترکان پارسی‌گوی که ریگ ته جوی بود و شهره‌ی برزن و کوی، بر سبیل درایت، این کم‌بضاعت را روایت کرد که در ایام سلف کارگزاران ناخلف، افسادات طولی و عرضی را اصلاحات ارضی نام کردند و آن طرح کلان را در استان بزرگ آذربایجان پیش از دیگر ولایات ایران به اجرا گذاشتند و معمول و مجری داشتند. در آن اوان من جوان در تبریز مردخیز و آذربایجان بهتر از جان دبیر شورای دهگانان و سخنگوی جمعیت کشاورزان بودم.

تا آن‌که روزی از روزها نمایندگان جمعیت ما را به دیدار مردی از اهالی ینگه دنیا فراخواندند و ما را پیام دادند که بازرسی هدایت‌ماب از آن سوی آب با جدیت و شتاب به کشور گُل و گلاب ما آمده است و دیدار مالکان و خرده‌مالکان را خواهان شده است، رفتیم و به صحبت نشستیم.

آن عامل قابل و کارگزار کافل به ما مالکان منفعل از صمیم دل گفت که: ای مالکان سابق و ای زمین‌داران صاحب‌سوابق! شنیده‌ام که بعضی از شما ملک‌ان ماضی، ناراضی شده‌اید و فوائد اصلاحات ارضی را فرعی و فرضی می‌شناسید. هان، این زمان هرچه در دل دارید، به من بازگوید تا من به گوش هوش بنیوشم و در اصلاح مفاسد و جلب عوائد بکوشم.

از آن میان من بلبل زبان به‌عنوان سخنگوی مالکان گفتم که: ای مرد مقبل و ای شخص کامل، پیش از هر سؤال و جواب، طریق حق و صواب آن است که ما اشخاص ساده‌دل را از شغل شاغل و مأموریت عاجل و أجل آن مؤتمن قابل و مستشار عادل اطلاعاتی حاصل شود تا ما را از آن حضرت صاحب‌فضایل، مرحمتی شامل شود. آن مرد خبیر و کارگزار بصیر گفت که من مشاور خاص الخاص پریزیدنت خناس و مأمور یوسوس فی صدور الناس در امر مزایا و خواص اصلاحات ارضی در سرزمین‌های برون‌مرزی‌ام و طرح این اصلاحات را در همه‌ی این ممالک و ولایات من داده‌ام.

من نومید ممتحن از شنیدن این سخن امیدوارانه در دل خندیدن گرفتم و با خویشتن گفتم: بیار آن‌چه داری ز مردی و زور؛ اما از ترس منهبیان حاضر در محضر و جواسیس خبرفروش از خدا بی‌خبر، به اقتفای عظمای شرع اطهر، طریق تقیه و احتیاط را که تنها طریق نجات است، از دست فرو نهدام و گفتم: البته و صدالبته که انقلاب سپید، ما مردم غیررشید را از حسیض نکبت و مذلت به اوج عزت و رفعت رسانیده و خواهد رسانید و هر آن‌چه شاهنشاه فلک‌دستگاه و حکام با فرّ و جاه در مقام اهتدا و انتباه ما رعایای پُرگناه سراسر اشتباه فرمایند، ما گوش به فرمان و مطیع از دل و جان ایم، النهایه مردی جانی موسوم به ارسنجانی با تبلیغات دروغین